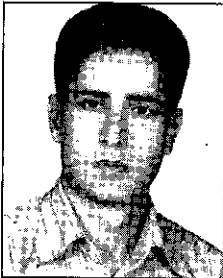


اسنادی درباره‌ی خزل



علی موسیوند

اشاره :

یکی از برنامه‌هایی که در تغییرات کیفی فرهنگان مدنظر است، سوق دادن توجه به کلیت «شهرستان نهاوند» است. از جمله، یکی از مناطقی که اقتضا دارد در جهت شناساندنش توسط محققان و صاحبان قلم آن دیار، که بحمدالله کم نیستند، به آن پرداخته شود منطقه‌ی «خزل» است.

تحقیقی که پیش‌روی شماست، توسط آقای علی موسیوند، کارشناس ارشد تاریخ از دانشگاه شهید بهشتی، صورت گرفته که خود از ساکنان و رشد یافتگان منطقه‌ی خزل‌اند، که با پیشنهاد و راهنمایی جناب آقای زرینی به رشته تحریر در آمده است. امیدواریم این سرآغاز خوبی باشد تا محققان آن خطه دست به قلم بزنند و استعدادها و توانمندی‌های منطقه را بشناسانند. امیدوار و منتظریم.

«فرهنگان»

منطقه‌ی خزل، به عنوان یکی از مناطق یا بخش‌های شهرستان نهاوند، همانند این شهر از قدمت دیرینه‌ای برخوردار است. اما این منطقه^۱ با توجه به شهرت تاریخی نهاوند، کم‌تر مورد توجه قرار گرفته و چون جزء یکی از مناطق نهاوند بوده و همواره زیر نظر حکام این شهر قرار داشته، در منابع و کتب مختلف کم‌تر از آن نامی برده شده است. تنها اواسط دوران قاجار، یعنی از سلطنت ناصرالدین‌شاه به بعد، برخی از منابع از ایل خزل، که در این حوالی سکنا داشته‌اند، نام برده‌اند.

این مقاله سعی دارد به بررسی سندی در مورد مالیات منطقه خزل در دوره‌ی قاجار بپردازد. مالیات یا باج و خراج وجوهی بوده که مأموران دولت بر حسب قانون، و بیش‌تر اوقات فراتر از ضوابط قانونی، از صاحبان املاک، اراضی و مستغلات می‌گرفته‌اند.^۲

مالیات همواره از منابع درآمد حکومت‌ها بوده‌است. ولی وصول آن نیز معمولاً از دغدغه‌های اصلی حکمرانان در ادوار مختلف تاریخی محسوب می‌شده است. زیرا مالیات، که بر اساس درآمد محل به‌خصوص در امور کشاورزی از افراد مختلف دریافت می‌گردید، غالباً با اجحاف و بدون توجه به وضعیت پرداخت‌کننده وصول می‌شد.

این منبع درآمد حکومت، با توجه به این‌که محصول کشاورزی مردم در همه سال‌ها یکسان نبود و شرایط جوی و سایر عوامل در میزان برداشت محصول مؤثر بود، ثابت نبود، زیرا درآمد مردم کم و زیاد می‌شد. ولی مؤذیان مالیاتی غالباً بدون توجه به این امر مقدار مشخصی مالیات تقاضا می‌کردند که در بیش‌تر مواقع با توسل به زور دریافت می‌شد.

۱- منطقه‌ی خزل و مرکزش شهر فیروزان در ۱۳۷۶ هجری شمسی به تصویب وزارت کشور رسیده است.

۲- دکتر محمد معین، فرهنگ معین، ج ۴، چاپ آزاد، ۱۳۸۲

مقام مسخ دربار علیه نامه نهادیم

رقمه ۱۷۶۶۱ در حضور مائت خزل مرقوم بنام خود ریاست مسخ مسخ

در مائت خزل در حکومت مائت ثلثه صدر و بعد در دردم در مسخ خزل

خود نهادیم انکه سفار کفر از نظر وزارت منبر از اول نامه در این

دو نوع است سفار خزل این در این نامه در آنکه خود به نام وزارت کارگاه و آن

وزیر که گفت در گزاره کفر صدر مائت است که که کفر لایم در و اما

ایک به نام میرزا هرگاه از طرف وزارت صلح داده و بعد در این نامه

صبر از این هر که سفار به گوایه می توان در صدر و بعد در آنکه کفر

در مائت در مائت آبی در مائت ایام فتح مائت کفر در آنکه کفر

در مائت خفونی در آنکه در مائت ایام فتح مائت کفر در آنکه کفر

ماد سفار اسر عظیم بود در آن صفات مشتمل بر مائت صبح ادراک این و آن

در حکومت گفت در و کما لایه جوانی لایم در مائت کفر در آنکه کفر

ارضا سفار صبح سفار در مائت کفر در آنکه کفر در آنکه کفر

نیزت نزد مائت کفر در آنکه کفر در آنکه کفر

بدر وقت طلوع مائت کفر در آنکه کفر در آنکه کفر

۲۸ - ۵ - ۴۷

۱۳۶۸

مالیات خزل، توسط خان‌هایی که در این زمان (دوره‌ی قاجار) حاکمان این منطقه بودند، دریافت شد. در واقع، اربابانی که زمین‌ها به نام آنان بود از رعایا که بر روی آن زمین‌ها کشاورزی می‌کردند مالیات می‌گرفتند. دریافت مالیات خزل در طول دوره‌ی قاجار یکی از مشکلات اصلی حکومت محل (ولایات ثلاث)^۱ و حتی حکومت مرکزی بود. عین‌السلطنه سالور برادر ناصرالدین‌شاه و نوه‌ی محمدشاه قاجار، که مدتی حاکم نهاوند بوده و اطلاعات کاملی در مورد این شهر و نواحی اطراف، به‌خصوص مناطق دیدنی آن‌جا (سراب‌ها)، ارائه کرده، برخی از مشکلات وصول مالیات خزل را تبیین نموده و این‌گونه شرح داده است:

«گنبد کاوس^۲ در بلوک سفلا واقع است. از این‌جا تا خزل دو فرسنگ بیش نیست. اگر جهت کارهای شهر نبود البته به خزل می‌رفتیم. تا حال هیچ کدام از خوانین آن‌جا شهر نیامده‌اند. یاغی دوست هستند. به هیچ‌وجه اطاعت ندارند. این جزئی مالیات را هیچ وقت نداده‌اند تا امسال با ما چه کنند... اسدخان پسر نامدارخان گنجشک را با گلوله می‌زند. اعجوبه‌ی غریبی است. آب و هوای آن‌جا همین قسم‌ها تربیت می‌کند.»^۳

البته عین‌السلطنه راجع به پرداخت نکردن مالیات شرحی نداده و اشاره‌ای به وضعیت مردم نکرده و این امر را ناشی از یاغی‌گری خوانین آن‌جا دانسته است، ولی می‌توان

۱- به شهرهای نهاوند، ملایر و تویسرکان گفته می‌شد.

۲- گنبد کبود (گنبد کبوتر - محلی)

۳- قهرمان میرزا سالور، روزنامه‌ی خاطرات عین‌السلطنه، ج ۱، روز پادشاهی ناصرالدین‌شاه به کوشش مسعود سالور - ایرج افشار، انتشارات اساطیر، ۱۳۷۴، ص ۴۶۵

گفت کم بود محصول، زیادی مالیات و طمع خان‌های آن‌جا از جمله عوامل پرداخت نشدن مالیات به موقع بوده است.

عین السلطنه، که در مدت حکومت خود تا روستاهای نزدیک خزل رفته و حتی از سراب فارسبان نیز دیدن کرده، هیچ‌گاه از بخش خزل و فیروزآباد مرکز آن دیداری نداشته است. وی در ادامه در مورد مالیات خزل این‌گونه نوشته: «دوشنبه پنجم، دیروز چاپار رسید حضرت اجل امین السلطان دست‌خط فرموده بودند که مالیات خزل را خود ما با سیف‌الدوله و نامدارخان قرار داده [ایم]. شما آسوده باشید و ان شاء الله در توقف نهاروند مجازات و تنبیه سخت از اشرار آن‌ها خواهد شد.

این مژده‌ی بزرگی بود و آن قدر نشستم تا به جایی رسید. دو هفته قبل، مفصلاً عریضه به خاک پای مبارک کردم. و الحمدلله جوابی صحیح آورد. مالیات آن‌جا هزار و دویست و هفت تومان کسر دارد که به اسم خانوار خزل می‌نویسند و این نتیجه سوار بوده. سوار که موقوف شده به ولایات جمع کرده‌اند و هیچ وقت وصول نشده و همیشه حاکم بیچاره از جیب خود داده است.

مابقی مالیاتش نصف به عهده‌ی سیف‌الدوله است که اربابی جدید است و نصف با نامدارخان و کسان اوست. هیچ‌کدام وصول نمی‌شود و همیشه در محل مانده است. آن‌ها یاد ندارند که مالیات خود را یک سال داده باشند. سالی نبود که حکام بیچاره ضرر این خزل را نکشیده باشند. هزار و دویست خانوار دارد.»^۱

مطالبی که عین‌السلطنه در مورد مالیات خزل نقل کرده به دوران حکومت ناصرالدین شاه (۱۳۱۳ ق - ۱۲۶۴ ق) و اوضاع آشفته‌ی حکومت مرکزی مربوط می‌شد، ولی دریافت مالیات هم‌چنان پا برجا بود.

اسنادی که در این نوشتار ارائه می‌شود نیز خود مؤید این مسئله است که مابین پیشکار مالیه و حکومت ثلاث و حکومت مرکزی اختلافاتی در مورد نحوه‌ی دریافت مالیات وجود داشته است. این اسناد مربوط به اواخر سال ۱۳۲۸ قمری، یعنی اولین حکومت احمدشاه قاجار است و همگی از آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران اخذ شده‌اند.

در ابتدا سندی آورده می‌شود که در آن پیشکار مالیه ولایات ثلاث در مورد ناتوانی خود از دریافت مالیات خزل مطالبی را ذکر کرده است و آن‌را به حکومت محل ارجاع نموده است.

«دستورالعمل نه‌اوندوخزل در پست مقرر و وصول پذیرفت. چنان‌چه مقرر فرموده بودند که دستورالعمل ملایر و تویسرکان زودتر فرستاده شود احتیاج و لزومش بیش‌تر از دستورالعمل خزل خواهد بود. زیرا که عمل مالیاتی خزل از عهده‌ی فدوی خارج و راجع به حکومت ولایات ثلاث اولی (؟) و احق این بود که دستورالعمل خزل مستقیماً نزد حکومت فرستاده شود که جداً در مقام مطالبه‌ی مالیات آن‌جا برآید. محض استحضار خاطر مبارک این مسئله را پیش‌نهاد نمود که در این باب بر فدوی مسئولیتی به

میان نیاید. ولی دستورالعمل ملایر را مستدعی است قدغن فرماید بیش از این وصول آن را به عهده‌ی تعطیل نیندازند.^۱

در اسناد بعدی نیز این امر یعنی دریافت مالیات خزل موضوع یک سری مکاتبات بین اداره‌ی مالیات، حکومت ثلاث و اداره‌ی محاسبات عراق قرار گرفته است و در هر کدام راجع به نحوه‌ی دریافت آن مطالبی دیده می‌شود، که در نهایت به حکومت مرکزی ارجاع شده است. هرچند نحوه‌ی دریافت آن در نهایت مشخص نشده است ولی مسئله‌ی دریافت مالیات در این اسناد کاملاً به چشم می‌خورد، که در ادامه به آن‌ها پرداخته می‌شود.

در سند دوم نیز، که از طرف اداره‌ی تحریرات مالیات برای اداره‌ی محاسبات خطه‌ی عراق ارسال شده، مشکل مالیات خزل به وی منعکس شده و از وی در این خصوص راه حل خواسته شده است:

«پیشکار مالیه‌ی ولایات ثلاثه از وصول مالیات خزل جداً استنکاف نموده و می‌نویسد که از عهده‌ی مشارالیه خارج است و تقاضا کرده است کتابچه‌ی خزل نزد حکومت آنجا ارسال و مالیات آنجا از حکومت مطالبه شود. رأی آن اداره در این موضوع چیست(؟) می‌توان این تقاضا را پذیرفت یا این که باید مشارالیه را به تقبل این خدمت ملزم ساخت. عقیده‌ی خود را سریعاً پیش نهاد نماید، ...»^۲

۱- سند شماره‌ی ۱۳۷۳۴، ۲۴۰۰، اسناد ملی، ۱۳۲۸ ق

۲- سند شماره‌ی ۱۳۷۳۴، ۲۴۰۰، اسناد ملی، ۱۳۲۸ ق

در سند سوم که در جواب این سند (۱۷۶۶۱) و احتمالاً توسط اداره‌ی محاسبات عراق، نگاشته شده است دریافت مالیات آنجا (خزل) را با توجه به این که جزء نهاوند است وظیفه‌ی حاکم نهاوند، یعنی شاهزاده سیف الدوله دانسته‌اند. زیرا شاهزاده دارای سوار کافی بوده تا بتواند از عهده‌ی این عمل برآید و اقدام توسط شاهزاده را بهترین و کم‌خرج‌ترین راه دانسته شده است.

در ادامه، نامه‌ی دیگر به عنوان پیشکار مالیه ولایات ثلثه و غیره به نگارش در آمده است. این نامه در واقع سندی است از طرف اداره‌ی تحریرات مالیات، که از پیشکار مالیات درخواست نموده در صورت ناتوانی از دریافت مالیات خزل، اقدام لازم را در این خصوص از حکومت مرکزی بخواهند.

«... پیشکار مالیه ولایات ثلثه، ملایر و غیره، این که نوشته‌اید دستورالعمل خزل را بایستی نزد حکومت فرستاده و مالیات آنجا را جمع بر حکومت نماید این مسئله متنافی ترتیبات وزارت مالیه است. زیرا که حکومت مستقیماً طرف معامله‌ی این وزارت‌خانه نیست ولی تکلیف پیشکاری مالیات این است. در هر موردی که وصول مالیات دولت را مشکل ببیند به حکومت اظهار و از قوه‌ی مجریه وصول آنرا بخواهد. در این صورت شما چه در بابت ولایت خزل و چه در خصوص سایر نقاط که اشکالی دارد فوراً به حکومت اظهار و جداً وصول آنرا تقاضا نمایید. در صورتی که تسامحی از حکومت ملحوظ داشتید به وزارت مالیه اشعار دارید تا اقدامات لازمه به عمل آید.»^۱

در آخرین سندی که توسط اداره‌ی خطه‌ی عراق برای وزارت مالیه ارسال شده دریافت مالیات را وظیفه‌ی حکومت دانسته است که در این امر اگر کوتاهی صورت گیرد مسئول واقعی حکومت محل خواهد بود.

«وزارت جلیله مالیه

این که پیشکار مالیه ولایات ثلاث از وصول مالیات خزل استنکاف کرده، در ضمن اظهار نموده است که کتابچه‌ی خزل را باید نزد حکومت محل فرستاد و مالیات را مطالبه نمود، راست است. پیشکار مالیه نمی‌تواند خودش به قوه‌ی جبریه مالیات را وصل کند. به همین قدر که این وقت سال این اظهار را نموده خبط کرده است. امروز نمی‌شود بیش تر از این به مسامحه و ملاحظه گذارید. خوب است یکی را پیشکار مالیه از طرف خود معین کرد. و حکم شخصی هم از طرف وزارت داخله به حکومت محل صادر شود و فوری نقد و جنس خزل را وصول نمایند. اگر از طرف حکومت محل مسامحه شود مسئول و مؤاخذه بوده، بلکه باید از عهده برآید»^۱

به طور کلی اسنادی که در بالا ارائه شد نشان دهنده‌ی واقعیتی است که در ابتدا بدان اشاره شد و آن مشکل دریافت مالیات خزل و ناتوانی عاملان مالیاتی محل در جمع آوری مالیات و کمک از حکومت محلی یا مرکزی برای حل این مشکل است.

دلایل این نحوه‌ی سلوک مردم ساکن نهاوند در منطقه‌ی خزل نهاوند با حکومت وقت، به مطالعات مردم شناسی و تاریخی بیش تری نیاز دارد، که در حوصله‌ی این نوشتار نمی‌گنجد. امید دارم توسط محققان به این مهم بیش تر پرداخته شود و از این اسناد استفاده‌ی بهینه شود.

نوع مسوده هر باب
 موضوع مسوده
 ضمیمه
 پاك نویس کننده



وزارت مالیه

اداره مقررین

۱۶۹۶۱
 ندره عمومی
 ندره خصوصی
 کارتون
 دوسیه

بتاریخ ۲۳ مرداد ۱۳۲۸

اداره مالیات خندان

مکتوبه را به پیوسته نامه از دستورات قانونی صادره استغاثت نموده در زمینه کارهای مربوطه اقدام فرمایید
 و در خصوص کارهای مربوطه با آن اداره همکاری لازم را داشته باشید و در این باره اقدامات لازم را در اول اول
 در خصوص مرتکبان این کارها لااخر برسانید و این امر را به اطلاع سایر ادارات و مقامات ذیصلاح
 خود و در این زمینه اقدامات لازم را فرمایید و در خصوص این امر اقدامات لازم را فرمایید

نوع مسوده کرب
نوع مسوده
شماره ۱
بانک بویس کنده



وزارت مالیه

اداره گمرکات

نمره عمومی ۱۸۲۵۳
نمره خصوصی
کارتون ۴۷
دوسیه ۵

بتاریخ ۳ مهر ۱۳۴۸

مکاتب و ادارات محترم
 اینجانب در خصوص ارسال رسیدات و برگه های گمرکاتی که در تاریخ ۲۸ مهر ۱۳۴۸
 در وزارت بازرگانی از طرف گمرکات شما طرف صادر شده است و در لیست پیوسته
 در صورتی که در لیست پیوسته گمرکات اظهار داده شده و در صورتی که در لیست
 این قرار دارد و در خصوص این موارد در روز ۳ مهر ۱۳۴۸ اظهار داده و در صورتی که
 آن موارد گمرکات محترم در تاریخ ۳ مهر ۱۳۴۸، اقدامات لازم را بنمایند



وزارت مالیه

اداره خط عراق

دائره

بصره

مورخه ۲۷ شهر مرقه اکرام ۱۳۲۸

شماره

در ارتضیٰ علیہ السلام

بسم الله الرحمن الرحیم
 اینکہ پیش روئے طلبات شدت لود صرف لایست فکرت
 مدد صغیر اہل ذمہ است کہ کجا بکہ قول را باید نزد حکومت
 دلائل را بطریق مرز
 ریت است پیش روئے غیر اولاد خودش لغوہ بصریہ لایست
 بعین حد کہ این وقت سال بن اہل ذمہ را مرز ضبط کرده است
 در ۱۰ بجا فزادہ است مالہ امر ذمہ پشتر از این عیب ہم را ملاحظہ گورایند خود
 تاریخ ۲ شہر لرم ۱۳۲۸ کہ از ایضا را لہ از طرف خود بعین کردہ و علم سخن از طرف
 مملکت دفعہ حکومت مرصہ در ۱۰ و نیز شدہ خبر قول را
 و صبر باشند اگر از طرف حکومت مرصہ در ۱۰ شہر لرم در ۱۰ شہر لرم

بسم الله الرحمن الرحیم
 در ارتضیٰ علیہ السلام
 وزارت مالیه
 خط عراق
 بصره